

نقش حزب تجدد در به قدرت رسیدن رضاخان

۱۸ فروردین ۱۳۹۷ ساعت ۲۲:۵۶

برخی از نمایندگان طرفدار رضاخان در مجلس در سال ۱۳۰۲ با تاسیس کمیته ویژه زیرمجموعه حزب دمکرات نقش زیادی در ارتقای منزلت سیاسی رضاخان داشتند. اعضای این کمیته، در جلسه ای محرمانه بر ریاست عالیه رضاخان بر امورات مملکتی صحه گذاشتند. افراد این جلسه عبارت بودند از سید محمدصادق طباطبایی، سلیمان میرزا اسکندری، میرزا کریم خان رشتی و خدایارخان بودند

کافه تاریخ- مقالات

حافظه تاریخی ایرانیان هیچ گاه فاصله بین سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۴ شمسی را فراموش نخواهد نمود. در این سالها مقدمات تاسیس سلطنتی فراهم شد که با اعمال یک دیکتاتوری مطلق نظامی، چهره جدیدی از حکومت مطلقه را در تاریخ ایران معاصر ثبت نمود. در واقع فضای سیاسی و اجتماعی ایران بعد از جنگ جهانی اول نشان از یک خلاء هنجاری قدرت داشته فضایی که به تعبیر دانشمندان علم سیاست از آن تعبیر به آنومی نظامهای سیاسی یاد می شود. در این فضا، نهادهای سیاسی نمی توانند کارویژه و نقش اصلی خود را ایفاء نمایند و از طرف دیگر به دلیل فقدان یکپارچگی بین نخبگان سیاسی، هیچ اتفاق نظری روی مقوله منافع ملی وجود ندارد و عملاً نخبگان سیاسی در یک وضعیت یاس و ناامیدی قرار دارند. به تبع به دلیل عدم رعایت قواعد بازیهای سیاسی عملاً عمر کابینه ها و دولتها کوتاه بوده و روز به روز بر بی ثباتی و آشفتگی سیاسی و اجتماعی جامعه افزوده می شود. دقیقاً در این فضا بود که انگلستان با روی آوردن رضاخان در نتیجه کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، سعی نمود از آب گل آلود ماهی گرفته و منافع استعماری خود را تامین نماید. در این نوشتار تلاش خواهیم نمود تا از مجلس شورا و به ویژه نقش حزب تجدد در قدرت رسیدن رضاخان رمزگشایی نماییم.

نمای کلی تحولات ایران در فاصله سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۴

بدونشک وقوع کودتای ۱۲۹۹ و ظهور استبداد رضاخانی تیر خلاصی بود بر پیکر نیمه جان مشروطیت، مشروطیتی که به دلایل مختلف از جمله انحراف فکری، طرد خیلی از رهبران اصلی مشروطه از جمله روحانیت و عالمان دینی، اختلافات سیاسی و فکری، نفوذ فرصت طلبان در ساختارهای مدیریتی کشور و ... بحرانی ترین دوران خود را سپری می نمود. [۱] دولت مرکزی علاوه بر تجربه تعویض کابینه های متعدد، با مشکلاتی نظیر تورم، رکود و عدم اطاعت واحدهای محلی روبرو بود. [۲] به همه این موارد می بایست، اندیشه های ضد دینی و ضد مذهبی طبقه روشنفکر را نیز اضافه نمود؛ که عملاً رسیدن به مدرنیته را مساوی با کنار گذاشتن مذهب در اداره امور عمومی می دانستند. [۳] رقابتهای استعماری دولتهای روسیه و انگلستان در نواحی شمالی و جنوبی کشور و اشغال این مناطق در جریان جنگ جهانی اول، جهت تامین منافع سیاسی و اقتصادی خود نیز، در تشدید بی ثباتی وضعیت موجود جامعه ایران تاثیر بسزایی داشت. تحمیل قرارداد ۱۹۱۹ از سوی دولت انگلیس و عدم پایبندی کمونیستها به وعده خود در عدم مداخله در امور ایران، این کشور را به کانونی برای تسویه حسابهای سیاسی و نظامی قدرهای بزرگ تبدیل نموده بود. [۴] شکست قرارداد ۱۹۱۹ سبب شد تا انگلستان با تغییر تاکتیکی سیاستهای خود، رضاخان میرپنج را مهبیای کودتای سیاه نماید تا با استقرار یک دولت مرکزی مقتدر و وابسته به انگلیس، منافع انگلستان تامین شود. رضاخان بعد از کودتا با سرکوب مخالتهای سیاسی و عشایر و ایلات یاغی نظیر شیخ خزعل توانست آرامش نسبی را برگرداند. [۵] اما به مرور زمان بین بازوی نظامی (رضاخان) و بازوی سیاسی (سید ضیاء الدین طباطبایی) کودتا عملاً اختلاف نظرهای شدیدی بروز کرد و در نهایت رضاخان با تکیه بر نهادهای نظامی در میدان رقابت سیاسی یکه تازی نمود.

حزب تجدد و دفاع تمام قد از استبداد رضاخانی

روند صعودی رشد رضاخان در مسیر کسب قدرت سیاسی علاوه بر اینکه بر حمایت انگلستان متکی بود، محصول فعالیت ایجابی و یا سلبی نهادهایی چون مجلس، ارتش، مطبوعات و ... نیز بود. چهارمین دوره مجلس شورای ملی در تیر ماه ۱۳۰۰ شمسی آغاز شد. این مجلس توانست به لطف چماق رضاخان آرامش نسبی سیاسی، نظامی و امنیتی را در کشور فراهم نماید. از آنجایی که رضاخان به عنوان سردار سپه توانسته بود در اقصی نقاط کشور حرکتیهای تجزیه طلبانه و گریز از مرکز را سرکوب نماید؛ در بین فراکسیون اصلاح طلب مجلس چهارم - که اکثریت مجلس را نیز در اختیار داشتند - توانست محبوبیت زیادی کسب نماید. [۶] در اواخر عمر این مجلس بود که مقدمات نخست وزیری رضاخان فراهم شد و همه نخبگان و نهادهای سیاسی، از جمله شاه قاجار نیز با صدور حکم نخست وزیری رضاخان، در مقابل چکمه های استبداد رضاخانی تمکین نمودند. [۷] جالب اینکه فریاد مخالتهای برخی از نمایندگان مجلس چهارم نظیر شهید مدرس نیز در خصوص اقدامات ساختارشکنانه و نقض اصول مشروطیت هم راه به

جایی نبرد و رضاخان به عنوان نخست وزیر به کار خود ادامه داد. با این تفاوت که رضاخان تجربه بزرگی در رویایی با نمایندگان مجلس فرا گرفت و آن اینکه هوشمندانه بتواند نمایندگان مجلس را با سیاستهای خود همسو سازد.^[۱۸] از طرف دیگر برخی از نمایندگان طرفدار رضاخان در مجلس در سال ۱۳۰۲ با تاسیس کمیته ویژه زیرمجموعه حزب دمکرات نقش زیادی در ارتقای منزلت سیاسی رضاخان داشتند. اعضای این کمیته، در جلسه ای محرمانه بر ریاست عالییه سردار سپه بر کشور صحنه گذاشتند. افراد این جلسه عبارت بودند از سیدمحمدصادق طباطبایی، سلیمان میرزا اسکندری، میرزا کریمخان رشتی و خدایارخان بودند.^[۱۹] این کمیته بعدها نقش بسزایی در انتصاب رضاخان به سمت نخست وزیری و سپس انتقال سلطنت به رضاشاه پهلوی ایفاء نمود. در کنار فعالیتهای این کمیته پنهانی و غیررسمی، حزب تجدد نیز قرار داشت که با برنامه ریزی علی اکبر داور، عبدالحسین تیمورتاش و سید محمد تدین، آرمان سکولاریسم، نوسازی ارتش، نهادینه نمودن بوروکراسی منظم دولتی و... را جزء اهداف اصلی حزب معرفی می کردند.^[۱۰] این حزب تنها را تحقق این اهداف را ایجاد یک دولت مرکزی مقتدر و مجهز به ارتش مدرن می دانستند. از اینرو این حزب در مجلس پنجم از طرفداران سرسخت جمهوری خواهی رضاخانی بود.^[۱۱] اختلافات در مجلس بر سر طرح جمهوری خواهی بین دو فراکسیون اقلیت مجلس به رهبری شهید مدرس و فراکسیون اکثریت مجلس به رهبری تدین، سرانجام با شکست طرح جمهوری فروکش پیدا نمود. در عین حال رضاخان در پشت پرده کماکان در اندیشه پیشینه سازی قدرت خود، از طرق دوستان خود در مجلس و ارتش به فعالیتهای تفرقه افکنانه خود ادامه می داد و از طرق نیروهای نظامی تحت فرمان خود تهدید نظامی و امنیتی نهادهای قانونی و نمایندگان مجلس را در دستور کار خود قرار داده بود. در عین حال حزب تجدد تمام قد از اقدامات رضاخان حمایت می نمود.^[۱۲] رضاخان حتی در یکی اقدام فریب کارانه برای کاهش مخالفتهای فراکسیون اقلیت مجلس و به ویژه شهید مدرس، خواهان همکاری و همراهی با مدرس برای سازماندهی امور کشور شد و با حضور در مجلس سوگند یاد کرد به هیچ وجه سوءنیتی در میان نبوده، و صمیمانه تمام تلاش خود تا در چارچوب نهادها و قوانین مستقر، با مجلس برای پیشرفت کشور بکار خواهد گرفت.^[۱۳] در این راستا رضاخان به منظور کسب اعتماد نخبگان سیاسی در مقابل آنها انعطاف بیشتری به خرج می داد و در عین حال حلقه اول مشاورانش به رهبری تیمورتاش به دنبال روزنه ای قانونی برای انتقال قدرت به رضاخان بودند.^[۱۴] سرانجام با طراحی و حمایت حزب تجدد در مجلس ماده واحده ای تصویب شد مبنی بر اینکه مجلس شورای ملی با توجه به اصول ۴۸ و ۱۰۷ متمم قانون اساسی، رضاخان سردار سپه را به ریاست کل قوای دفاعیه و امنیه نظامی مملکت منصوب می دارد که با اختیارات کامله در حدود قانون اساسی و قوانین مملکتی با مسئولیت در مقابل شورای ملی انجام وظیفه نمایند.^[۱۵] و اینگونه بود که مقدمات به قدرت رسیدن رضاخان و انتقال سلطنت از قاجاریه به پهلوی مهیا شد. البته در این میان نقش مطبوعات و رسانه های وابسته به جریان روشنفکری طرفدار رضاخان و به اصلاح تجدد خواه را نیز نباید نادیده گرفته مطبوعاتی نظیر کاوه، ایرانشهر، آینده، مرد آزاد... و روشنفکرانی مثل میرزا حسن خان مستوفی الممالک، میرزا حسن خان مشیرالدوله، دکتر محمد مصدق، سید حسن تقی زاده، میرزا حسین خان علاء، یحیی دولت آبادی، مهدی قلی خان هدایت (مخبر السلطنه) و محمد علی خان فروغی (ذکاء الملک)، با تمهید راهکارهای قانونی و حقوقی انتقال قدرت سیاسی و همچنین مهندسی افکار عمومی، انتقال سلطنت به خاندان پهلوی را رقم زدند.

پی نوشتها :

[۱] جان فوران، «مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی از صفویه تا پس از انقلاب اسلامی»، ترجمه احمد تدین، تهران، ۱۳۷۴، ص ۲۹۷،

[۲] جان فوران، همان، ص ۱۶

[۳] حسام، فرحناز، «دولت و نیروهای اجتماعی در عصر پهلوی»، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۷۲-۷۳

[۴] طاهره عزیزی، «نقش نخبگان و نهادهای سیاسی دراعتلای قدرت رضاخان»، مجله مطالعات انقلاب اسلامی «، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، شماره ۶ و ۷، ص ۸۶

[۵] هوشنگ صباحی، «سیاست انگلیس و پادشاهی رضاشاه»، تهران، نشر اوحدی، ۱۳۷۷، ص ۲۲۵

[۶] هوشنگ صباحی، پیشین، ص ۳۷۴

[۷] علیرضا ملایی توانا «ب»، «مشروطه و جمهوری»، تهران، نشرگسترده، ۱۳۸۱، ص ۵۹۲

[۸] غلامحسین میرزا صالح، «رضاشاه (خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پهلوی و علی ایزدی)»، تهران، طرح نو، ۱۳۷۲، چاپ اول، ص ۶۹

[۹] محمدتقی بهار، (ملک الشعرا)، «تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران از انقراض قاجاریه»، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، جلد اول، ۱۳۷۱، ص ۳۰۷

[۱۰] محمدتقی بهار، پیشین، جلد دوم، ص ۱۳۲

[۱۱] هوشنگ صباحی، پیشین، ص ۲۵۱

[۱۲] احمد امیر احمدی، «خاطرات نخستین سپهبد ایرانی»، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۲۳۲

[۱۳] حسین، مکی، «تاریخ بیست ساله ایران»، تهران، علمی، جلد سوم، ۱۳۷۴، ص ۳۵۳

[۱۴] باقر عاقلی، «داور و عدلیه»، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، ص ۵۲.

[۱۵] علیرضا ملایی توانی (الف)، «مجلس شورای ملی و تحکیم دیکتاتوری رضاشاه»، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص

۱۶۳

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۶۷۷۰/رضاخان-رسیدن-قدرت-تجدد-جزب-نقش/>